

امکانات و محدودیت‌های کارآمدی منظومه‌های روستایی - شهری به عنوان مناطق کارکردی

مورد: منظومه ضیاءآباد (قزوین)

سیده کیناز محمودی^۱، عباس سعیدی^۲، حسن افراخته^۳، فرهاد عزیزپور^۴

چکیده

یکی از مسایل برنامه‌ریزی فضایی پیوسته تعیین مناطق برنامه‌ریزی در سطوح و مقیاسهای مختلف بوده است. از این رو، در اغلب موارد حدود تقسیمات اداری، حتی بصورت ادغام چند منطقه تقسیماتی اساس قرار می‌گیرد. شاید بتوان گفت، مشکل اساسی در این رابطه هنگامی بروز می‌کند که بحث برنامه‌ریزی سطوح خرد و پایین‌تر از سطح استان و شهرستان، یعنی مناطق و نواحی رسمی مطرح می‌گردد. مفهوم "منظومه" در سالهای اخیر به عنوان بدیلی برای این سطوح خرد از برنامه‌ریزی فضایی که واحد تقسیماتی "بخش" را نمایندگی می‌کند، مطرح شده است. پرسش اساسی در این رابطه این است که آیا تعیین محدوده‌های تقسیماتی که اغلب بنا بر ملاحظات سیاسی صورت می‌پذیرد، تا چه حد با الزامات برنامه‌ریزی انطباق دارد؟ و آیا می‌توان این محدوده‌ها را به عنوان "مناطق کارکردی" مد نظر قرار داد؟ در این چارچوب، این مقاله با بررسی بخش ضیاءآباد قزوین، به عنوان نمونه موردی، تلاش دارد، ضمن بررسی این مسایل، با بهره‌گیری از شیوه‌های کیفی بحث و اتکاء به دیدگاه پویا ساختاری-کارکردی، امکانات و موانع شکل‌گیری مناطق کارکردی را در سطوح خرد مورد مطالعه قرار داده، کارآمدی این سطح از عرصه‌های فضایی را در قالب واحدهای تقسیماتی نشان دهد. نتایج مطالعه نشان می‌دهد، کارآمدی منظومه‌ها به عنوان مناطق کارکردی نه تنها در گرو تعیین اندیشیده تقسیماتی است، بلکه اصلاح زیرساختها، سرمایه‌گذاریهای مرتبط و پشتیبانی موثر در تخصیص امکانات و اعتبارات، شرط تعامل متناسب و کارکردپذیری واحدهای سکونتگاهی موجود در سطح منظومه‌ها است.

واژگان کلیدی: منظومه روستایی - شهری؛ منطقه؛ منطقه کارکردی؛ توسعه یکپارچه روستایی - شهری؛ ضیاءآباد؛ قزوین

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی
۲- استاد دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی و نویسنده مسئول (abbsaidi@gmail.com)
۳- استاد دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی
۴- دانشیار دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی

مقدمه و طرح مساله

منظومه‌های روستایی - شهری، همچون هر نظام فضایی، به سبب روند اثرگذاری - اثرپذیری عوامل و نیروهای درونی و بیرونی، پیوسته در معرض دگرگونی قرار دارند. در این راستا، دگرگونی اندیشیده و هدفمند در جهت بهبود اجزا و نیز کلیت این گونه نظامها در قالب برنامه‌ریزی فضایی، قاعدتا می‌تواند به‌عنوان راهبردی در مسیر توسعه مورد عمل قرار گیرد، حال آنکه تحول نیندیشیده و خود به خودی، از آنجا که در بطن خود اهدافی در راستای هماهنگی و پیوستگی اجزای تشکیل‌دهنده نمی‌پروراند، آشکارا از فرایند توسعه بدور می‌ماند (نک: سعیدی، ۱۳۹۱، ۱۲-۱۳، ۲۱).

افزون بر این، این گونه نظامهای فضایی از دو جنبه قابل بررسی هستند: جنبه ساختاری و جنبه کارکردی. ساختار هر نظام عبارت است از بستر و نحوه نظم‌پذیری بخشها، عناصر بنیادین یا اجزای زیربنایی تشکیل‌دهنده آن که در عمل، بایست بصورت کلیتی یکپارچه در نظر گرفته شود. در مقابل، کارکرد هر نظام، مجموعه فعالیتها و روابطی را شامل می‌گردد که مبتنی بر ویژگیهای ساختاری، می‌تواند امکان تحقق یابند. بدینسان، ارتباطی منطقی و تنگاتنگ بین ساختار و کارکرد هر نظام فضایی وجود دارد که بر اساس آن، تحول‌پذیری مطلوب هر نظام فضایی در سطوح مختلف - از یک واحد مزرعه گرفته تا یک سکونتگاه و تا یک ناحیه و منطقه و ... - در گرو توانمندی و همنوایی ساختاری - کارکردی آن در راستای توسعه است (همان، ۲۲-۲۳).

این فرض که منظومه‌های روستایی - شهری در انطباق با واحدهای تقسیماتی (اداری - سیاسی) تا چه دامنه‌ای می‌توانند به عنوان مناطق کارکردی عمل کنند، موضوع اصلی این تحقیق بحساب می‌آید. در این راستا، پرسشهای اساسی تحقیق را می‌توان در دو عرصه، به شرح زیر مطرح ساخت:

الف - تعیین و طراحی عرصه فضایی واحدهای تقسیماتی (استان، شهرستان، بخش و دهستان) تاچه حد با اهداف عمرانی - توسعه‌ای به سرانجام می‌رسد؟

ب - منظومه‌های روستایی - شهری در قالب این گونه واحدها، در چه شرایطی می‌توانند به عنوان مناطق کارکردی به نحوی کارآمد عمل کنند؟

در پاسخ بدین پرسشها، فرض اساسی تحقیق این است که واحدهای تقسیماتی در اغلب موارد بدون توجه به عرصه‌های منطقه‌ای تبیین و تعیین می‌شوند و با الزامات توسعه منطقه‌ای انطباق ندارند. بنابراین، منظومه‌های روستایی - شهری همیشه و همه‌جا نمی‌توانند در قالب آنها به کارآمدی فضایی مطلوب دست یابند.

روش تحقیق

مبنای نظری این تحقیق بر پارادایم فضایی و اصول بنیادین دیدگاه "پویای ساختاری - کارکردی" تکیه دارد. در این راستا، سکونتگاههای انسانی و نواحی و مناطق سرزمینی، پیوسته به عنوان "نظام فضایی" در نظر گرفته می‌شود که هر یک قاعدتا هم از نظر درونی و هم بیرونی، از قانونمندیهای رویکرد نظاموار (سیستمی) تبعیت می‌کنند. در همین چارچوب، دیدگاه پویای ساختاری - کارکردی، به مثابه شالوده دیدگاه نظری تحقیق، با تکیه بر نگرش نظامهای پیچیده، بر این واقعیت استوار است که نظامهای فضایی در کلیتی یکپارچه از ارتباط و تعامل ساختارها و کارکردها عمل می‌کنند. به سخن دیگر، بسترهای گوناگون محیطی - کالبدی، اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی - سیاسی موجود، به نحوی هم‌افزا، زمینه‌ساز اصلی بروز عینی فعالیتها و روابط مابین اجزای نظامهای فضایی (سکونتگاههای انسانی موجود

در عرصه فضا) بحساب می‌آیند.^۱ بنابراین، در هر گونه برنامه‌ریزی توسعه، تاکید بر این مجموعه و کوشش در راستای توجه به اصلاح و تغییر اجزای ساختاری و در نتیجه، دگرگونی کارکردی سکونتگاه‌های روستایی و شهری، بصورتی یکپارچه عملی خواهد بود (سعیدی، ۱۳۹۰؛ ۱۳۹۱). بر این مبنا، رشد و تحول روستاها از دگرگونی شهرها جدا نخواهد بود و بالعکس؛ یعنی اهداف برنامه‌ریزی توسعه برای مجموعه‌های سکونتگاهی تنها می‌تواند در قالب شبکه‌ای از روابط و پیوندهای روستایی- شهری تحقق یافته، در قالبی هم‌پیوند، منجر به رشد و توسعه مطلوب شوند (برای بحث بیشتر، نک: داگلاس، ۱۹۹۸؛ سعیدی، ۱۳۹۴).

محدوده مورد بررسی

بخش ضیاء آباد، یکی از بخشهای چهارگانه شهرستان تاکستان در استان قزوین است که در جنوب غربی استان و در نزدیکی دو راه اصلی قزوین- زنجان و قزوین- همدان قرار دارد (سالنامه آماری ۱۳۹۶، ۴۱، ۴۸). این بخش دارای دو دهستان، به نامهای دودانگه علیا و دودانگه سفلی، ۴۱ آبادی روستایی، شامل ۳۶ روستای دارای سکنه و یک شهر (مرکز بخش) به نام شهر ضیاءآباد است (همان ۴۹). مساحت این بخش ۸۴۴ کیلومترمربع و تراکم نسبی جمعیت در آن (مطابق آخرین سرشماری رسمی) ۲۲/۴ نفر است (درگاه ملی آمار، نتایج سرشماری ۱۳۹۵). عرصه مورد مطالعه بلحاظ طبیعی، از دو قسمت دشتی و کوهستانی تشکیل شده است. اراضی مرتفع کوهستانی بیشتر در جنوب و اراضی مرتفع و تپه- ماهوری در شمال ناحیه قرار دارند. این اراضی بیشتر بصورت دیمزار و مرتع مورد استفاده قرار دارند. قسمت مرکزی ناحیه بیشتر از رسوبات معاصر تشکیل شده است (سعیدی، ۱۳۵۵، ۷۱-۷۲). منابع سطحی آب ناحیه به رودخانه خررود محدود می‌شود و اغلب روستاها از منابع زیرزمینی آب (قنات، چاه و چشمه) استفاده می‌کنند (جدول شماره ۱)؛ هرچند بیشتر قنات‌ها از دهه‌های گذشته رو به فروپاشی نهاده، چاههای موتوری جای آنها را گرفته است.

جدول ۱: منابع تامین آب کشاورزی روستاهای بخش ضیاءآباد

واحد تقسیماتی / منبع آب	کل آبادی	چاه موتوری	قنات	چشمه	
				فصلی	دایمی
بخش ضیاءآباد	۳۹	۵۸	۴۴	۱۰۴	۵۶
دهستان دودانگه علیا	۱۹	۳	۲۵	۳۵	۲۵
دهستان دودانگه سفلی	۲۰	۵۵	۱۹	۶۹	۳۱

ماخذ: سرشماری کشاورزی ۱۳۹۳، استان قزوین

این ناحیه از نظر ویژگیهای اقلیمی دارای آب و هوایی نیمه‌خشک است که بر این اساس، مهمترین ویژگی آن تفاوت بارز هوا بین زمستان و تابستان و نیز بین شب و روز در تمام طول سال است. متوسط گرما در ایستگاه تاکستان برابر ۱۴ درجه سانتیگراد و مقدار متوسط بارش سالانه ناحیه حدود ۲۳۵ میلیمتر است (همانجا؛ ضمنا مرادی، ۱۳۹۰، ۵۱، ۶۶-۶۷).

بر پایه آخرین سرشماری عمومی، از کل جمعیت بخش (۱۸۹۱۸ نفر)، ۵۶/۳ درصد روستایی و مابقی (۴۳/۷٪) ساکن شهر ضیاءآباد بودند (جدول شماره ۱). روستاهای بخش عمدتاً از روستاهای متوسط و کوچک کشور بشمار می‌روند و سهم روستاهای بزرگ در این میان، تنها ۷/۳ درصد است؛ هرچند بیشترین جمعیت روستایی بخش در آبادیهای

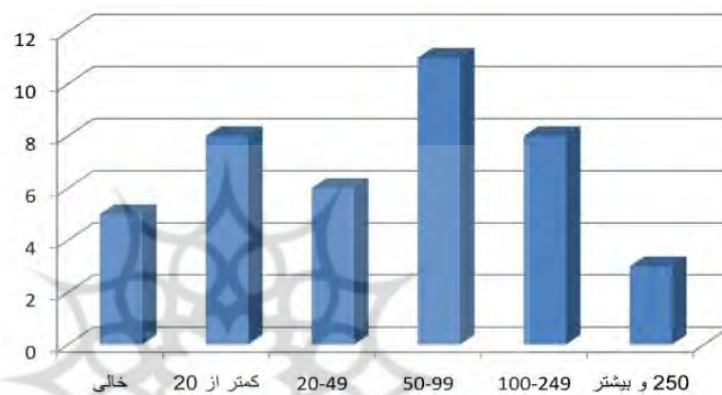
۱. در چارچوب نظری پویا ساختاری- کارکردی، منظور از کارکردها، مجموعه فعالیت‌های اجتماع برای پاسخگویی به نیازهای گوناگون آن و روابط منبعث از این فعالیتهاست (سعیدی، ۱۳۹۱).

۱۰۰-۲۵۰ خانوار سکونت دارند (نمودار شماره ۲ و جدول شماره ۳) که البته در دهه‌های اخیر اغلب با روند کاهشی جمعیت روبرو بوده‌اند (نمودار شماره ۲). این در حالی است که شهر ضیاءآباد در گذر زمان شاهد رشد جمعیتی بوده است. فعالیت غالب روستاهای ناحیه عمدتاً در بخش نخست اقتصادی جای می‌گیرد.

جدول شماره ۲- تعداد خانوار بخش ضیاءآباد (به تفکیک شهری و روستایی)

جمعیت				حوزه
درصد	خانوار	درصد	نفر	
۵۶	۳۴۸۷	۵۶/۳	۱۰۶۵۶	روستایی
۴۴	۲۷۳۷	۴۳/۷	۸۲۶۲	شهری
۱۰۰	۶۲۲۴	۱۰۰	۱۸۹۱۸	کل بخش

ماخذ: نتایج سرشماری عمومی ۱۳۹۵



نمودار ۱: رده بندی جمعیتی آبادی های منظومه ضیاء آباد برحسب خانوار، براساس نتایج سرشماری عمومی ۱۳۹۵

بحث و تحلیل

تبیین مفهوم منطقه و منطقه کارکردی

واژه "منطقه" در کشورهای مختلف به معانی متفاوتی بکار می‌رود؛ هر چند این معانی خود در گذر زمان پیوسته با دگرگونی همراه است. در دنیای اسلام، منطقه در چارچوب مفهوم "اقلیم"، به معنای بخشهای بزرگ سرزمینی بکار می‌رفته است، چنانکه عالم را به "هفت اقلیم" تقسیم می‌کردند (نک: سعیدی، ۱۳۸۷، ۷۷۵). کاربرد لفظ و مفهوم "منطقه" در اروپا نیز سابقه‌ای طولانی در تاریخ این بخش از جهان دارد: در سده‌های میانی، پیش از ورود فناوری حمل و نقل و ادغام بازارهای ملی، قسمتهای مهمی از اروپا بصورت "منطقه خودمختار" اداره می‌شد؛ جالب است که عرصه این گونه مناطق معمولاً بر حسب "فاصله یک روز با پای پیاده یا با گاری به کانون اصلی بازاری آن" محاسبه می‌شد (دروینه و بوگاتای، ۲۰۱۲، ۱۲۸)؛ هرچند پس از انقلاب صنعتی، با گسترش شهرها و شهرنشینی و شکوفایی فعالیتهای صنعتی، بتدریج مفهوم منطقه در هر یک از کشورهای اروپا با معانی متفاوتی بکار رفت (همانجا).

"منطقه" در مباحث جغرافیایی، بطور سنتی، معمولاً به عنوان "محدوده‌ای مشخص از سطح زمین با یک یا چند عارضه یا ویژگی معین (طبیعی یا انسان- ساخت) که بدان نوعی یکپارچگی دهد و آن را از محدوده‌های پیرامونی متمایز سازد" تعریف می‌شود (سعیدی، همانجا؛ ضمناً نک: سعیدی، ۱۳۵۵، ۳۵). این نوع منطقه را گاهی "منطقه

رسمی" یا گاهی "منطقه اداری" نیز می‌نامند. در مقابل، منطقه کارکردی را در ساده‌ترین تعریف، منطقه‌ای بشمار آورده‌اند که از یک حوزه استقرار (مکان) مرکزی و عرصه پیرامونی آن تشکیل شده و به کارکردی معین اختصاص یافته باشد. بدین ترتیب، "شالوده" منطقه کارکردی را بلحاظ فضایی، نظامی سکونتگاهی متشکل از مکانهای بزرگ و کوچک دانسته‌اند (قس: کارلسون و اولسون، ۲۰۰۶، ۲).

بر این مبنا، منطقه کارکردی قاعدتا حای تعامل درونی مشهود بین اجزای سکونتگاهی خویش است؛ آشکار است که این تعامل، در گذر زمان، موجب "حرکت" فیزیکی بیناسکونتگاهی ساکنان می‌گردد (کارلسون و اولسون، ۲۰۰۶، ۱). بلحاظ نظری، تعامل در مناطق کارکردی ممکن است، با توجه به نحوه استقرار، رقابت بین سکونتگاهی و رفتار اجتماعی - اقتصادی مردمان ساکن، از الگوهای متفاوتی تبعیت کند (ارله‌باخ و همکاران، ۲۰۱۴). روشن است که تفاوت‌های منطقه رسمی با منطقه کارکردی به این تفاوتها ختم نمی‌گردد، بلکه تفاوت‌های نسبتا زیادی بین این دو مفهوم وجود دارد (جدول شماره ۲).

گذشته از تعریف کلی منطقه کارکردی، نکته در خور اهمیت آن است که بر خلاف منطقه رسمی که معمولا محدوده مشخصی را دربر می‌گیرد، چگونه می‌توان مرزهای عینی منطقه کارکردی را در فضای جغرافیایی تبیین نمود. آشکار است که پاسخ بدین پرسش، ناظر بر الزامات شناخت تطبیقی در قالب محدوده‌های برنامه‌ریزی با عنوان "مناطق برنامه‌ریزی" خواهد بود. در تعریف منطقه کارکردی توسط "سازمان همکاری اقتصادی و توسعه"، بدون عنایت به خصوصیات جغرافیایی یا سابقه تاریخی، عمدتا بر یک "واحد سرزمینی" که معرف یک "بازار کار" باشد، تکیه شده است (سازمان همکاری...، ۲۰۰۲، ۱۱)؛ هرچند مناطق کارکردی در اغلب کشورهای عضو این سازمان با "حوزه‌های شهری" که با واحدهای تقسیماتی که مبنای حوزه‌های سرشماری و گردآوری داده‌های آماری بشمار می‌روند، تطابق دارد (همان، ۱۵).

جدول ۳: برخی تفاوت‌ها بین مناطق رسمی و مناطق کارکردی

منطقه رسمی	منطقه کارکردی
بلحاظ ویژگی، معمولا مبتنی بر ویژگی طبیعی	مختص یک ناحیه (اجتماعی - اقتصادی)
مرزبندی معین با حوزه‌های دیگر	ناحیه‌ای حول یک مرکز
واحد اداری - سیاسی معین، با همگنی درونی نسبی	یک واحد سکونتگاه اصلی و واحدهای کوچکتر پیرامونی
متکی بر تعامل با دیگر واحدهای اداری - سیاسی	بیشتر متکی بر روابط و تعامل درونی
با کارکرد اصلی اداری - سیاسی	کارکرد به عنوان یک نظام اجتماعی - اقتصادی (فضایی)
متکی بر تعامل عمودی و سلسله‌مراتبی	بیشتر متکی بر تعامل افقی درونی و بیناسکونتگاهی
معرف ماهیت و امور اداری - سیاسی	معرف جریانها، فعالیتها و روابط اجتماعی - اقتصادی

ماخذ: ارله‌باخ و همکاران، ۲۰۱۴؛ کلاپکا و همکاران، ۲۰۱۳ (با تغییرات)

در واقع، هم مناطق برنامه‌ریزی و هم انواع منطقه کارکردی، همچون هر گونه منطقه دیگر، برحسب مقیاس، رده‌بندی می‌گردند. در این بین، معمولا از مناطق کلان، همچون منطقه کلانشهری، تا مناطق خرد (در سطح یک شهر کوچک با حوزه پیرامونی آن یاد می‌شود. مناطق کارکردی کلان در مواردی حوزه‌های اداری - سیاسی چندی را در بر می‌گیرند که در اغلب موارد، بویژه در هماهنگی برای طراحی و پیشبرد برنامه‌ها، مسائلی تنش‌آلود را در بین مقامات محلی و

1. Formal Region
2. Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)
3. Municipalities

منطقه‌ای مطرح می‌سازد. کارشناسان در این موارد، برای پشتیبانی از منطقه کارکردی، معمولاً بر همکاری و همراهی حوزه‌های مختلف اداری - سیاسی تاکید می‌ورزند (کارلسون و اولسون، ۲۰۰۶، ۲). در برابر این دو مفهوم، دو مفهوم دیگر که مفاهیمی "قراردادی" هستند، مطرح می‌شوند: "منطقه برنامه‌ریزی" و "منطقه کارکردی" (نک سعیدی، همانجا). در واقع، یکی از مسایل کارشناسان در امر برنامه‌ریزی، تعیین مرزهای منطقه برنامه‌ریزی است. اگرچه پیوسته بدیلهایی برای این امر وجود دارد، اما ساده‌ترین آنها تبیین مناطق اداری به عنوان منطقه برنامه‌ریزی است؛ این عمل در بعضی کشورها، از جمله ترکیه رایج است (بیهان، ۲۰۱۹، ۱۵)؛ در ایران نیز کوششهایی مبتنی بر انطباق مناطق کارکردی با مناطق برنامه‌ریزی به‌انجام رسیده است (نک: حمصی، ۱۹۸۰)، هرچند مناطق برنامه‌ریزی در ایران در سطح خرد اغلب با تقسیمات اداری - سیاسی منطبق نیستند.

فرض بر این است که این گونه انطباق مناطق می‌تواند به وجه بهتری سکونتگاههایی را که در عرصه‌ای فضایی با یکدیگر در تعامل قرار دارند، پوشش دهد. بدین ترتیب، تصور می‌رود، تعیین مناطق برنامه‌ریزی بر مبنای روابط و پیوندهای کارکردی، نظیر الگوهای تعاملی که مناطق کارکردی را مشخص می‌سازند، دربرگیرنده یک ناحیه مطالعاتی بر حسب "واحد جغرافیایی" که برای مدیریت اداری و برنامه‌ریزی مناطق امری بنیادین بشمار می‌رود، کارساز خواهد بود. بر همین پایه، تعیین مناطق کارکردی بر اساس جریانهای تعاملی، در دهه‌های اخیر رواج بسیاری یافته است (همانجا).

این در حالی است که مناطق رسمی بیشتر در قالب واحدهای تقسیماتی تعریف می‌شوند. هرچند، مفهوم منطقه اغلب با لفظ "ناحیه" که در اصل معنایی متفاوت دارد، بصورت مترادف بکار می‌رود (همان، ۷۷۶؛ ضمنا سعیدی، همانجا، ۷۹۷). در انطباق این دو مفهوم، قاعدتاً منطقه کم و بیش در حد یک یا چند استان و ناحیه در ازای یک یا چند شهرستان تبیین شده است (سعیدی، ۱۳۸۸ الف، ۱۸-۲۱). بنابراین، بلحاظ کاربردی، فرض بر این است که تقسیمات اداری - سیاسی (استان، شهرستان، بخش...) قاعدتاً بایستی بر اساس معیارها و عواملی انتخاب شوند که بتوانند نوعی "منطقه کارکردی" را نمایندگی کنند. هرچند اغلب در واقعیت این چنین نیست، بلکه در تقسیمات اداری - سیاسی، در عوض عوامل طبیعی، اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی - سیاسی، اگر عوامل فرعی دیگری دخالت نداشته باشند، عمدتاً بر عامل سیاسی تاکید می‌شود.

واحد تقسیماتی "بخش" به عنوان منظومه

محدوده فضایی "منظومه" در مطالعات روستایی و نیز طرح اولیه "توسعه پایدار منظومه‌های روستایی" در قالب واحد تقسیماتی "بخش" تعیین شده است (سعیدی، ۱۳۸۸ ب، ۴۸؛ سعیدی، ۱۳۹۳). هرچند در این بین، عوامل و نیروهای گوناگونی در تعیین کارآمدی این سطح از واحد تقسیمات اداری - سیاسی، به عنوان یک "فضای کارکردی" اثرگذار هستند که مهمترین آنها عبارتند از:

الف - ساختار محیطی - اکولوژیک:

ب - انسجام بیناسکونتگاهی: با توجه به ابعاد مختلف فرهنگی - تاریخی، اجتماعی و اقتصادی...

ج - شبکه راههای درون - و برون منظومه ای: و

د - روابط شهر و روستا: این روابط را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود: روابط درون منظومه‌ای و روابط برون منظومه‌ای (ضمنا نک: سعیدی، ۱۳۹۲ ب).

1. Planning Region
2. Functional Region

با این وجود، در ارتباط با منظومه‌های روستایی- شهری، با توجه به تخصیص اعتبارات عمرانی و توسعه‌ای بر مبنای واحدهای اداری- سیاسی و از آنجا که تدوین "طرح توسعه منظومه‌های روستایی" متکی بر نوعی نگرش توسعه فضایی منطقه‌ای "از پایین به بالا" به سرانجام رسیده، می‌توان منظومه‌ها را مناطق کارکردی در مقیاس خرد بحساب آورد. (نک: سعیدی، ۱۳۹۲ الف). البته، از آنجا که بسیاری از واحدهای تقسیماتی "بخش" قابلیت لازم برای ایفای نقشی فعال به عنوان منطقه کارکردی را ندارند، در مطالعات "طرح توسعه پایدار منظومه‌های روستایی"، ضمن تاکید بر تقویت ساختاری- کارکردی این گونه محدودها، اصلاح تقسیمات اداری آنها نیز پیش‌بینی شده، مورد توجه قرار دارد (هماجا). در واقع، هدف از برنامه‌ریزی فضایی در این سطح از نواحی خرد در این راستا، تبدیل منظومه‌های روستایی- شهری به مناطق کارکردی بوده است. در این چارچوب، فرض اصلی بر این واقعیت استوار بوده است که حجم حرکت در درون مناطق کارکردی در قالب "جریان افراد"، خود ممکن است زمینه‌ساز انواع دیگری از جریانها (جریان کالا، محصولات، سرمایه، نوآوری و ...) و سرانجام، انسجام هرچه بیشتر روابط و پیوندهای تعاملی بین واحدهای سکونتگاهی و در نتیجه، "پیچیدگی" شبکه سکونتگاهی گردد (ضمنا سعیدی، ۱۳۸۵).

منظومه ضیاءآباد به عنوان منطقه کارکردی

با بررسی وضعیت منظومه ضیاءآباد آشکار می‌گردد که این واحد تقسیماتی، آنطور که انتظار می‌رفت، به دلایلی چند نتوانسته است به‌عنوان یک منطقه کارکردی از کارآمدی کافی برخوردار گردد. باید توجه داشت که اثرگذاری عوامل اثرگذار در درجه کارآمدی یک منظومه، پیوسته به نحو آشکار و پنهان، بصورتی "هم‌افزا" تحقق می‌یابد. از این رو، تاکید بر یک عامل و غفلت از دیگر عوامل، زمینه‌ساز درک نادرست "کارآمدی" این گونه عرصه‌های فضایی خواهد بود. بررسیها نشان می‌دهد، دلایل ناکارآمدی منظومه ضیاءآباد، از جمله عبارتند از موقعیت خاص استقرار، تغییرات تقسیمات اداری- سیاسی، وضعیت شبکه راهها، دگرگونیهای اجتماعی- اقتصادی در سطح ناحیه، سرمایه‌گذاریهای نابرابر نقطه‌ای و اعطای تسهیلات فعالیتی، جایگاه خاص روستاهای ناحیه، دسترسی به امکانات و خدمات، نحوه دسترسی به کانونهای بازاری و فعالیتی و نحوه حضور در بازارهای مبادلاتی و رقابتهای بیناشهری آشکار و پنهان... هرچند در حوصله این مقاله، بناچار، برخی از این عوامل مورد بررسی بیشتر قرار می‌گیرند:

جایگاه متغیر در تقسیمات اداری

محدوده بخش ضیاءآباد از دیرباز جزئی از شهرستان قزوین در استان مرکزی بوده است. پس از تفکیک اداری- سیاسی این استان و شکل‌گیری استان تهران در سال ۱۳۵۷، این شهرستان (از جمله بخش ضیاءآباد) نیز جزو واحدهای تقسیماتی آن قرار گرفت. سپس، هنگامی که تشکیل استان زنجان در تاریخ ۱۳۶۹/۷/۱۴ به تصویب نهایی رسید، شهرستانهای قزوین و تاکستان و به تبع آن، بخش ضیاءآباد (شامل ۴ دهستان دودانگه علیا، دودانگه سفلی، رامند شمالی و افشاریه) از استان تهران منتزع و در محدوده این استان جدید قرار گرفت (وزارت کشور، ۱۳۶۹). دو شهر قزوین و زنجان که از دیرباز به عنوان دو کانون شهری "رقیب" نسبت به هم پیوسته نوعی واگرایی داشتند، در شهریور ماه ۱۳۷۳ از یکدیگر منتزع و بدین ترتیب، شهرستان قزوین از استان زنجان منفک و به استان تهران ملحق شد (وزارت کشور، ۱۳۷۳)؛ این در حالی بود که شهرستان تاکستان، از جمله بخش ضیاءآباد، بصورت شهرستان و بخشی از استان زنجان باقی ماندند (هماجا). سرانجام، با تشکیل استان قزوین در سال ۱۳۷۶، شهرستان تاکستان (شامل بخش ضیاءآباد) نیز از استان زنجان منتزع و به استان قزوین پیوست (آمارنامه استان قزوین، ۱۳۷۶). بی‌تردید، این تغییرات و انتزاع و الحاق در گذر زمان، بویژه محدود شدن عرصه بخش ضیاءآباد از چهار به دو دهستان، تبعاتی در "پیوستگی فضایی" این محدوده به همراه داشته است.

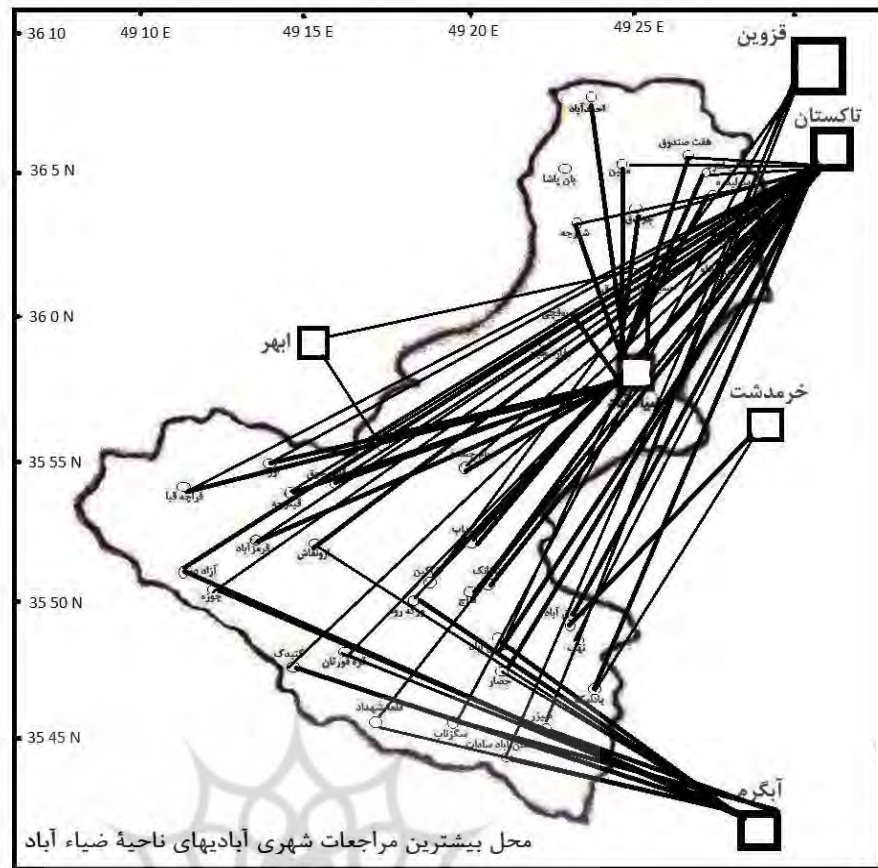
کارکرد شهری مرکز منظومه

تنها کانون شهری این منظومه، شهر ضیاءآباد است. این شهر در عرصه‌ای بین دو بزرگراه قزوین- زنجان و قزوین- همدان قرار گرفته، با تاکستان (مرکز شهرستان) حدود ۳۰ کیلومتر و با قزوین (مرکز استان) حدود ۶۵ کیلومتر فاصله دارد. همان گونه که گذشت، تغییرات عرصه فضایی واحد تقسماتی ضیاءآباد، بویژه تفکیک چندین روستا و انضمام آنها به بخشهای دیگر یا جدید را می‌توان یکی از علل ضعف کارکردی این مرکز منظومه در وضعیت فعلی بشمار آورد. در این رابطه، مشکل اساسی آنجا بود که با رشد و گسترش فعالیتی دو روستای مهم بخش ضیاءآباد، یعنی نهایند که در ۱۳۷۸ به شهر تبدیل و اکنون خرم‌دشت و مرکز بخشی به همین نام خوانده می‌شود (وزارت کشور، ۱۳۷۸) و همچنین، "جدایی عملی" روستای حیدریه که پیوسته به عنوان روستایی از بخش ضیاءآباد بوده، در فاصله کمی از شهر کانونی آن، یعنی شهر ضیاءآباد قرار داشته است، به "شهرک صنعتی" تبدیل شدند.^۱ این کانونهای جدید فعالیتی در سالهای اخیر آشکارا در جذب جمعیت و فعالیت در سطح ناحیه اثرگذار بوده‌اند بدین ترتیب، انتزاع تقسیماتی نهایند (خرم‌دشت) و "تفکیک فضایی" شهرک حیدریه، هر یک به‌نحو تعیین‌کننده‌ای، بر "یکپارچگی فضایی" و "کلیت کارکردی" بخش ضیاءآباد در مجموع و کانون اصلی آن، بطور خاص، اثرگذار بوده‌اند. در واقع، می‌توان افزود، این دو کانون فعالیتی در حال حاضر بلحاظ کارکردی، در "رقابت فضایی" آشکاری با شهر ضیاءآباد قرار دارند. آنچه بدین مساله دامن زده است، بارگذاری تاسیساتی و واحدهای صنعتی در این دو شهر، هرچند بدون عنایت به الزامات محیطی و وجه فضایی سرمایه‌گذاریهاست؛ گویا این دو نقطه بی‌توجه به ساختارها و کارکردهای مابقی نقاط ناحیه و در "خلأ فضایی" حضور و فعالیت دارند.

از سوی دیگر، بین دو شهر ضیاءآباد و تاکستان از دیرباز نوعی "رقابت فضایی" بین‌شهری مطرح بوده است که در این بین، موقعیت استقرار شهر تاکستان بر سر راه اصلی قزوین به زنجان و همدان، آن را به عنوان شهر مسلط ناحیه‌ای مطرح ساخته است؛ اعتدالی جایگاه تاکستان با استقرار بعدی واحدهای مختلف فعالیتی در این شهر، رقابت با آن را برای شهر ضیاءآباد عملاً غیرممکن ساخته است. افزون بر این، در کنار "رونق" فضایی این "مناطق کارکردی" در سطح ناحیه، بایست جایگاه شهر آبگرم، در جنوب ضیاءآباد را نیز به عنوان کانون گردشگری، در این "رقابت فضایی" بین‌شهری دخیل و اثرگذار بشمار آورد.

بدین ترتیب، شهر کوچک ضیاءآباد، بدون بهره‌مندی از این ویژگیها و جاذبه‌های منبعث از ساختها و بسترهای فعالیتی کافی، نتوانسته است نقش عینی یک مکان مرکزی کارآمد ناحیه‌ای و به عنوان "بازار فعالیت" جایگاه یک "منطقه کارکردی" را بدرستی فراچنگ آورد. با توجه به نمودار شماره ۲، آشکار می‌گردد، جاذبه این کانونهای فعالیتی، محل مراجعات شهری ساکنان روستاهای محدوده به سوی آنهاست؛ براین مبنا، بیشترین جریان فرامنظومه‌ای به سوی تاکستان، مرکز شهرستان، است، هرچند شهر ضیاءآباد در رده بعدی و پس از آن، به ترتیب، شهرهای آبگرم، قزوین، خرم‌دشت و بالاخره، شهر ابهر (در استان زنجان) قرار دارند.

۱. شهرک صنعتی خرم‌دشت با ۲ هزار و ۲۳۴ هکتار مساحت، بزرگترین شهرک صنعتی استان و ظاهراً جزو ۱۰ شهرک صنعتی بزرگ کشور بشمار می‌رود. همچنین شهرک صنعتی حیدریه با مجموع ۱۰۸ هکتار مساحت که البته در حال گسترش است، مطابق مصوبه مجلس شورای اسلامی، قرار است به "منطقه اقتصادی" تبدیل شود.



نمودار ۲: محل بیشترین مراجعات شهری آبادیهای ناحیه ضیاء آباد

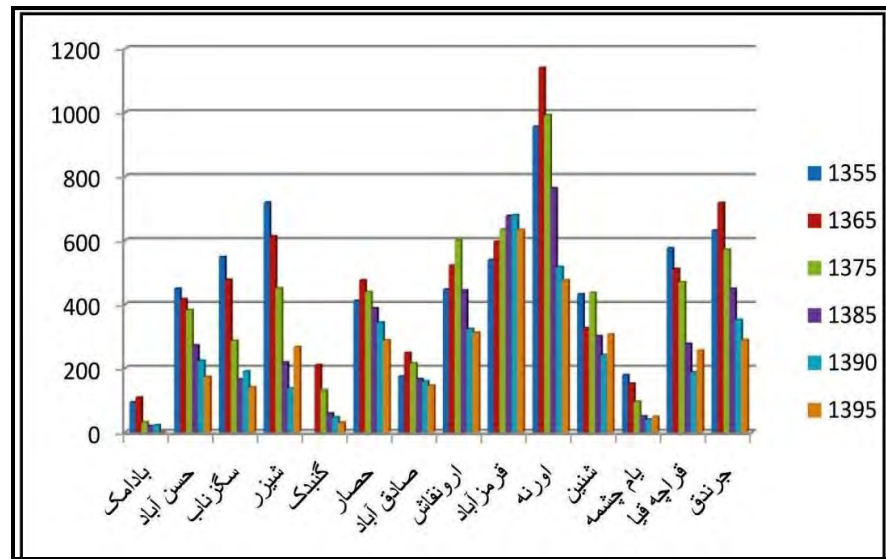
نقش فزاینده راههای ارتباطی

آنچه بدین وضعیت دامن زده و زمینه‌ساز حجم قابل توجهی از مراجعات آبادیهای منظومه به کانونهای بیرون از این محدوده شده است، دسترسی به شبکه راههای منطقه‌ای، یعنی دو مسیر اصلی قزوین-همدان و قزوین-زنجان است که شهر تاکستان، یعنی مرکز ناحیه‌ای را به آسانی در دسترس قرار می‌دهد. در واقع، وضعیت استقرار شهر تاکستان بر سر این راههای اصلی و همچنین تمرکز انواع فعالیت و جمعیت در این شهر، زمینه‌ساز رشد چشمگیر و توسعه نسبی این شهر شده است. افزون بر این، پیدایی دو شهر کوچک آبگرم و خرم‌دشت (روستای نهادند پیشین) بر سر راه اصلی قزوین-همدان، بستر لازم برای ارائه برخی خدمات و امکانات به روستاهای خرده‌ناحیه ضیاء آباد را فراهم آورده است. از سوی دیگر، به سبب "غیرشبکه‌ای" بودن راههای درون منظومه‌ای ضیاء آباد، جریانهای روستایی اغلب به سوی راههای اصلی بیناشهری هدایت می‌شوند. در نتیجه این وضعیت و همچنین، ضعف ساختاری-کارکردی شهر کوچک ضیاء آباد، باعث شده است تا منظومه ضیاء آباد بصورت منظومه‌ای غیر منسجم و بلحاظ کارآمدی کانونی "ضعیف" جلوه نماید.

جریانهای فضایی و روند کاهشی جمعیت روستاها

با سمت‌گیری جریانهای فضایی بخش ضیاء آباد، بویژه جریان افراد، به سوی کانونهای بیرون از منظومه، بطور جدی شاهد روند، کاهشی سهم قابل توجهی از جمعیت اغلب روستاهای منظومه هستیم، تا جایی که این روند، در مواردی حتی به تخلیه جمعیتی روستاهای کوچکتر انجامیده است (نمودار شماره ۳). چنانکه این نمودار نشان می‌دهد، جمعیت

روستاها عمدتاً طی دوره ۱۳۵۵-۱۳۶۵ کم و بیش نشانگر رشد جمعیتی است و از آن پس، کاهش جمعیت سکونتگاه که خود نشانگر افزایش مهاجرت است، شاخص اغلب آنها بشمار می‌رود.



نمودار ۳: روند تغییرات جمعیتی روستاهای منتخب منظومه ضیاء آباد طی دوره ۱۳۵۵-۱۳۹۵

مأخذ: پایگاه ملی آمار، نتایج سرشماری‌های رسمی سالهای مختلف

در مقابل این روند، برخی آبادیها که پیش از این به این منظومه تعلق داشتند، از جمله روستاهای پیشین بخش، نهایند و حیدریه که امروز به ترتیب با نامهای جدید "شهر خرم‌دشت" و "شهرک صنعتی حیدریه" خوانده می‌شوند، با گسترش بارگذاریهای زیرساختی و رونق نسبی فعالیتها، به صورت "خوشه‌های فعالیتی" تازه‌ای درآمده‌اند که بنظر می‌رسد، در آینده جاذب جریان بیشتر افراد به سوی خود باشند.

جمع‌بندی

اثرگذاری هم‌افزای نیروهای گوناگون که بعضاً مورد بحث قرار گرفت، نشانگر این واقعیت است که منظومه مورد مطالعه، به عنوان نمونه‌ای در قالب واحدهای تقسیماتی در سطح خرد، چنانکه بلحاظ نظری انتظار می‌رود، نتوانسته است از کارآمدی قابل قبولی در عرصه کارکرد فضایی برخوردار گردد. این واقعیت حاکی از آن است که نه تنها در عرصه مورد مطالعه، بلکه بطور کلی، تعیین تقسیمات اداری- سیاسی (استان، شهرستان، بخش...) در عمل همیشه و همه جا نمی‌تواند بستر ساز شکل‌گیری مناطق کارکردی باشد. بدین ترتیب، بلحاظ کاربردی، فرض بر این است که این گونه واحدها- قاعدتاً- بایستی بر اساس معیارها و عواملی انتخاب شوند که بتوانند قالبهای مناسبی را نه تنها برای "مدیریت فضا"، بلکه برای تعیین گره‌ها، خوشه‌ها، مجموعه‌ها و همچنین مناطق کارکردی در چارچوب برنامه‌ریزی فضایی فراهم آورند. این در حالی است که در عمل این چنین نیست، بلکه در چارچوب‌بندی برای تقسیمات اداری- سیاسی، در عوض عوامل طبیعی، اجتماعی- فرهنگی و اقتصادی- سیاسی، اگر عوامل فرعی دیگری دخالت نداشته باشند، عمدتاً بر عامل سیاسی تاکید می‌شود.

افزون بر این، برنامه‌های راهبردی نیز در بسیاری موارد آنطور که باید و شاید به ابعاد فضایی جریانهای گوناگون که سنگ بنای عمران و توسعه فضایی منطقه‌ای بشمار می‌روند، نمی‌پردازند. در این راستا، طرح آمایش استان قزوین نیز که طی سالهای ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۳ در دست تهیه بوده، طی سالهای ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۷ به روزرسانی شده و سرانجام، سند راهبردی (و اجرایی) آن در سال ۱۳۹۸ ارائه شده است، بویژه در پرداختن به ابعاد مختلف نظام اسکان، انتظام فضایی و

یکپارچگی فضایی سکونتگاه‌های انسانی (شهری و روستایی)، جریانهای گوناگون فضایی و همچنین روابط و پیوندهای موجود و متصور بین اجتماعات انسانی، متاسفانه، فاقد مطالب درخور علمی - تحقیقاتی، با ارزشهای اجرایی است (نک: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان، ۱۳۹۸؛ پژوهشکده علوم محیطی، ۱۳۹۷).



منابع

۱. پژوهشکده علوم محیطی دانشگاه شهید بهشتی (۱۳۹۷)، به روزرسانی مطالعات آمایش استان قزوین؛
۲. درگاه ملی آمار، نتایج سرشماریهای عمومی سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵؛
۳. درگاه ملی آمار، سرشماری کشاورزی ۱۳۹۳، استان قزوین؛
۴. سازمان برنامه و بودجه استان قزوین (۱۳۷۶)، *آمارنامه استان قزوین*؛
۵. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان قزوین (۱۳۹۸)، *سند اجرایی آمایش استان قزوین*، شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان قزوین؛
۶. سعیدی، عباس (۱۳۵۵)، *ضیاءآباد: بررسی شتابزده یک روستا*، دانشگاه ملی ایران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیای طبیعی (استاد راهنما: دکتر ایرنپور جزینی)؛
۷. سعیدی، عباس (۱۳۸۵)، "روابط شهر و روستا و پیوندهای روستایی - شهری - یک بررسی ادراکی" در: *فصلنامه جغرافیا*، دوره جدید، سال دوم، شماره ۲ بهار و تابستان ۱۳۸۳ (تاریخ چاپ: ۱۳۸۵)؛
۸. سعیدی، عباس (۱۳۸۷)، "ناحیه"، در: سعیدی، عباس، *دانشنامه مدیریت شهری و روستایی*، بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی / سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور، تهران، صص ۷۹۷؛
۹. سعیدی، عباس (۱۳۸۷)، "منطقه"، در: سعیدی، عباس، *دانشنامه مدیریت شهری و روستایی*، بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی / سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور، تهران، صص ۷۷۵-۷۷۷؛
۱۰. سعیدی، عباس (۱۳۸۸الف)، *سطح‌بندی روستاهای کشور*، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران؛
۱۱. سعیدی، عباس (۱۳۸۸ب)، *الگوهای خدمات‌رسانی روستایی*، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران؛
۱۲. سعیدی، عباس (۱۳۸۹)، محیط، فضا و توسعه: بحثی در ضرورت توسعه یکپارچه روستایی - شهری، در: مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۱، پاییز (۱۳۸۹)، صص ۳-۱۲؛
۱۳. سعیدی، عباس (۱۳۹۰)، "پوش ساختاری - کارکردی: رویکردی نظام‌وار در مطالعات مکانی - فضایی" در: *فصلنامه جغرافیا (فصلنامه علمی - پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران)*، سال نهم، شماره ۲۹، تابستان، صص ۷-۱۶؛
۱۴. سعیدی، عباس (۱۳۹۱)، مفاهیم بنیادین در برنامه ریزی کالبدی - فضایی (بخش نخست)، در: *فصلنامه برنامه ریزی کالبدی - فضایی*، سال اول، شماره اول، صص ۹-۲۶؛
۱۵. سعیدی، عباس (۱۳۹۲الف)، *طرح پیشنهادی توسعه فضایی منظومه‌های روستایی کشور (توسعه پایدار منظومه‌های روستایی کشور)*، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، معاونت عمران روستایی؛
۱۶. سعیدی، عباس (۱۳۹۲ب)، "پیوستگی توسعه روستایی - شهری در قالب منظومه‌های روستایی" در: *فصلنامه برنامه‌ریزی کالبدی - فضایی*، سال دوم، شماره ۴، صص ۱۱-۲۰؛
۱۷. سعیدی، عباس (۱۳۹۳)، "جایگاه منظومه‌های روستایی در برنامه‌ریزی توسعه پایدار کالبدی - فضایی" در: *اولین همایش برنامه‌ریزی کالبدی - فضایی توسعه پایدار روستایی*، اردیبهشت ۲-۳ تیرماه ۱۳۹۳؛
۱۸. مرادی، ابوالفضل (۱۳۹۰)، *روند تبدیل روستا به شهر با تاکید بر تحول مکانی - فضایی - مورد: ضیاءآباد قزوین*، نیمسال اول سال تحصیلی ۱۳۹۰-۱۳۹۱ (رساله دکتری - به راهنمایی دکتر عباس سعیدی)؛
۱۹. وزارت کشور (۱۳۶۹)، *تقسیمات کشوری، سازمان و سلسله تابعیت عناصر و واحدهای تقسیمات کشوری استان زنجان به مرکزیت شهر زنجان*، ۱۳۶۹/۷/۱۴؛
۲۰. وزارت کشور (۱۳۷۳)، *تصویب نامه انتزاع شهرستان قزوین از استان زنجان*، ۱۳۷۳/۶/۳۰؛
۲۱. وزارت کشور (۱۳۷۸)، *مصوبه تبدیل روستای نهاوند به شهر* (۱۳۷۸/۳/۱۹)؛

۲۲. وزارت راه و شهرسازی (۱۳۹۷)، سازمان هواشناسی کشور، داده‌های اداره کل هواشناسی استان قزوین؛
23. Beyhan, Burak (2019), "The delimitation of planning regions on the basis of functional regions: An algorithm and its implementation in Turkey" in: *Moravian Geographical Reports*, 27(1), pp. 15-30;
24. Douglass, Mike (1998), "A Regional Network Strategy for Reciprocal Rural-Urban Linkages: An Agenda for Policy Research with Reference to Indonesia" In: *Third World Planning Review*, Vol 20, No. 1;
25. Drobne, Samo and Bogataj, Marija (2012), "A Method to Define the Number of Functional Regions" in: *Geodetski vestnik*, 56/1 (2012), pp. 128-150;
26. Erlebach, Martin et al. (2014), "Inner structure of functional region: theoretical aspects", Conference Paper, *Sborník příspěvků, 27. mezinárodní kolokvium o regionálních vědách Hustopeče 18.-20. 6. 2014*, pp. 722-727;
27. Hemmasi, Mohammad (1980), "The Identification of Functional Regions Based on Lifetime Migration Data: A Case Study of Iran" in: *Economic Geography*, Vol. 56, No. 3 (Jul., 1980), pp. 223-233
28. Karlsson, Ch. and Olsson, M. (2006), "The identification of functional regions: theory, methods, and applications" in: *Annals of Regional Science*, 40, pp. 1-18;
29. Klapka, M. P. et al. (2013), "Functional Regions: Concept and Types", *Sborník příspěvků XVI. mezinárodní kolokvium o regionálních vědách Valtice, 19.-21. 6. 2013*;
30. OECD (2002), *Redefining Territories: The Functional Regions*, Paris;

